

## سنجدش کانسپت معماري فضای نيايشگاهي در دوران ماد در نوشیجان تپه، زاربلاغ و تپه ازبکى

محمد حسن طالبیان<sup>۱\*</sup>، مهرداد ملکزاده<sup>۲</sup>، علیرضا طاهری<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>دانشیار گروه مرمت بناها و بافت‌های تاریخی، دانشکده معماری، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

<sup>۲</sup>استادیار پژوهشکده باستان‌شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

<sup>۳</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات معماري، گروه مرمت بناها و بافت‌های تاریخی دانشکده معماری، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۰۵، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۹/۱۳)

### چکیده

مادها به عنوان اولین حکومت یکپارچه و مرکزی ایران شناخته می‌شوند. معماري این حکومت به واسطه کاوش‌های محدود و تاریخ‌گذاری‌های مبهم، دچار ابهاماتی است. بخش عمده معماري ماد را تالارهای ستون‌دار، مجموعه انبارها و فضاهای نيايشگاهي تشکيل می‌دهند. فضاهای نيايشگاهي به واسطه اطلاعات ناكافی از آين مادها به عنوان پر ابهام ترین بخش معماري ماد شناخته می‌شوند. نيايشگاه مرکزی نوشیجان مهم ترین فضای نيايشگاهي ماد است که در جريان کاوش‌های آن مشخص شد که اين نيايشگاه بدون کوچک ترین آسيبي مهروموم شده است. با کاوش‌های بيشتر در قلمرو حکومتی ماد، محوطه‌های دیگری با شرایط يكسان با نوشیجان آشكار شدند که گمان می‌رود سرنوشت يكسانی با اين نيايشگاه داشتند. در اين پژوهش با روش توصيفي-تحليلي و مطالعه موردي و با هدف خوانش معماري از کانسپت طراحي و کارکرد فضاهای نيايشگاهي ماد، سنجدش معمارانه بين نيايشگاه مرکزی نوشیجان تپه، نيايشگاه زاربلاغ و تپه ازبکي صورت گرفته است، اين سنجدش در انتهای دستيابي به يك الگوي مفهومي دو بخشی در طراحي اين نيايشگاهها را ميسر می‌سازد. در بخش نتيجه‌گيری، همانندی‌های اين نيايشگاهها در زمينه کانسپت و ساختار معماري، بستر محيطي و مصالح ساختماني ذكر خواهد شد. در نهايت به شبهات‌های ساختاري و عملکردي بناهای مذكور با نيايشگاه غربي نوشیجان تپه، بنای سنگي و اسون كهک، نيايشگاه تخچرآباد بيرجنده و نيايشگاه حاجي خان فامينين نيز اشاره‌اي خواهد شد.

### واژه‌های کلیدی

معماري ماد، فضای نيايشگاهي، نوشیجان تپه، زاربلاغ، تپه ازبکي، کانسپت معماري.

\*نويسنده مسئول: تلفن: ۰۲۱-۶۶۱۷۱۶۰۴، نماير: ۰۲۱-۶۶۹۷۲۰۷۶. E-mail: mh.talebian@ut.ac.ir

## مقدمه

پر ابهام‌ترین بخش‌های معماری ماد لقب می‌گیرد. فضای نیایشگاهی و مذهبی را می‌توان از مهم‌ترین عناصر معماری هر دوره تاریخی بر شمرد، گاهی این فضاهای ساخته دست والی‌های حکومتی بوده و گاهی به صورت خود جوش توسط مردم محلی ساخته می‌شده است. از طرف دیگر میراث ناملموس بویژه سنت‌ها و آیین‌های مردمی رایج در یک پنهانه جغرافیایی و نحوه اجرای آیین‌ها و مراسم‌های مذهبی بر طرح و عملکرد معماری فضاهای نیایشگاهی تاثیرگذار بوده است. از این‌رو، احتمال می‌رود که با مطالعات مقایسه‌ای فضاهای نیایشگاهی دوره‌های تاریخی مشابه، شباهت‌هایی در طرح، هندسه و جهت‌گیری معماری، عملکرد فضاهای پیرامونی، سلسله‌های مراتب دسترسی، سیرکولاسیون حرکتی، ابعاد و اندازه، مصالح، شیوه و تکنیک ساخت و نحوه استقرار آن در مکان یافت شود. در ارتباط با مذهب و معماری مذهبی اقوام ایرانی قبل از دوره ساسانی، داده‌های اندک باستان‌شناسی، سبب شده تا از آیین‌ها و معماری مذهبی این اقوام اطلاعات ناچیز و گمراه‌کننده وجود داشته باشد. در ارتباط با اعتقادات مادها، علیرغم کشف دو بنای مذهبی و آتشدان در نوشیجان تپه، به غیر از فرضیه‌های بسیار کلی و غیر مستند، اطلاعات دیگری در دسترس نیست. اعتقادات مذهبی و بنای‌های مربوط به آن در فلات ایران، به درستی شناخته نشده است (ملزاده، ۱۳۹۰، ۱۲۴). در برخی پژوهش‌ها سعی شده است تا علاوه بر واکاوی آیین مادها، فرضیه استمرار ساختار و کانسپت معماری نیایشگاهی مادی مورد بررسی قرار بگیرد. اما به جهت ساختاری و معماری نیایشگاهی‌های مادی تا خامنی‌شی و پس از آن، به نظر می‌رسد که این فرضیه ابتدا با یک سوال جدی رویه‌روست: «چرا محوطه‌های نیایشگاهی کاوش شده از دوره ماد در دوره هخامنشی روند مسدود سازی را طی کرده‌اند و بدون هتك حرمت پر شده‌اند؟» برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید به کنیبه ضد دیو خشایارشا و منظور آن از اقوام دیوپرست رجوع کرد و پس از آن، برخورد موبدان زردشی که در رأس قدرت بودند با دیویستان را مورد توجه قرار داد.

کاوش و مرمت در تپه انجام پذیرفت. دستاوردهای فعالیت‌های این هیئت، شناسایی سه دوره معماری باستانی متعلق به روزگار فرمانروایی مادها، هخامنشیان و اشکانیان است که مهم‌ترین و باستانی‌ترین لایه مربوط به سکونت اقوام ماد در این تپه از نیمه دوم قرن هشتم ق.م. مسیح تا نیمه نخست قرن ششم ق.م. است (استروناخ و رف، ۱۳۹۰-۱۰۴). پروفسور بوکونیا نیز وظیفه کارکردن بر روی استخوان‌های حیوانی نوشیجان را بر عهده داشت. در جریان این کاوش‌ها افرادی همچون هایده روزان، محمد زمردیان و سوتا سرخوش به عنوان نماینده‌گان مرکز باستان‌شناسی ایران حضور داشتند. گزارش اصلی کاوش در این پنج فصل در قالب ۴ کتاب برنامه‌ریزی شده بود اما تنها ۲ جلد آن منتشر شده است. جلد اول در سال ۲۰۰۷ منتشر شد و به معماری مادی نوشیجان اختصاص دارد. جلد سوم را جان کرتیس در سال ۱۹۸۴ منتشر کرد. که در این جلد به اشیاء کوچک کشف شده در نوشیجان پرداخته شده است. جلد دوم و چهارم منتشر نشده‌اند و به ترتیب در ارتباط با سفال نوشیجان و استقرار دوره اشکانی آن است (همان، ۱۳). ازبکی: با توجه به تحقیقات صورت

حکومت ماد به عنوان اولین حکومت یکپارچه که تقریباً تمام بخش‌های جغرافیایی ایران امروزی و فراتر از آن را دربر می‌گیرد، شناخته می‌شود. به گفته هرودوت، حکومت ماد دارای چهار شاهنشاه بوده است که به یک خانواده تعلق داشتند و تقریباً ۱۵۰ سال فرمانروایی کردند. طبق تاریخ گذاری هرودوت شروع سلطنت دیاکو به عنوان اولین شهریار و فرمانروای ماد، حدوداً ۷۰ ق.م. بوده است و مادان تا زمان شکست خوردن ایشتورویکواز کوروش (حدوداً ۵۵۰ ق.م.) در رأس قدرت باقی ماندند (دیاکونوف، ۱۳۹۵، ۲۲-۲۳). به طور کلی معماری دوره ماد را می‌توان تشکل از تالارهای ستون‌دار، مجموعه انبارها (در برخی از منابع قلعه)، فضای نیایشگاهی و فضاهای واسط (حياطها، اتاق‌ها، پیشخوان‌ها و غیره) دانست. گاهی این فضاهای در کنار یکدیگر به کار گرفته شده‌اند و مانند نوشیجان تپه، گویندین تپه و تپه ازبکی یک مجموعه انبارها را تشکیل داده‌اند و گاهی هم این فضاهای به صورت منفرد ساخته شده‌اند مانند زاریلاع، واسون و حاجی خان. به نظر می‌رسد که تالارها و مجموعه انبارها بخش شاهنشاهی حدادی ناپذیر مجموعه‌های مادی هستند که در نوشیجان و گویندین این تالارها به شکل ستون‌دار نمود. پیدا می‌کنند و در ازبکی تالارها را به شکل بدون ستون می‌ساخته‌اند. مجموعه انبارها در ازبکی به ساده‌ترین شکل خود ساخته شده است ولی در گویندین و نوشیجان به شکل تکامل یافته‌تری و به عنوان یک مجموعه مشاهده می‌شوند. این مجموعه انبارها به شکل کامل‌تری در الغ تپه و تل القبه - که نمونه‌های منفرد از مجموعه انبارها یا قلعه هستند - یافت می‌شوند. فضاهای نیایشگاهی در معماری ماد بیشتر به صورت منفرد ساخته می‌شده‌اند و فقط در مجموعه‌های ازبکی و نوشیجان مشاهده می‌شوند و سایر نمونه‌های نیایشگاهی همگی تک بنا هستند. از طرفی به واسطه کاوش‌های باستان‌شناسی محدود، اطلاعات کلی از معماری ماد بسیار اندک است و به این جهت بخش اعظمی از تاریخ گذاری محوطه‌های مادی کاوش شده در حد فرضیه باقی مانده است. از طرف دیگر اطلاعات ما از آیین مادها به اندازه‌ای نیست که بتوان بر اساس آن نظریه پردازی کرد. از این‌رو معماری نیایشگاهی و مذهبی ماد، یکی از

## روش پژوهش

در این پژوهش ابتدا کلیاتی در باب مفاهیم مهم مذهبی-آیینی در دوره ماد و هخامنشی مطرح می‌شود و پس از آن، بخش توصیف جغرافیایی محوطه‌های موردن بررسی قرار دارد و سپس به بررسی کالبد معماری محوطه‌های موردن بررسی به عنوان مطالعه موردنی پردازیم. پژوهش حاضر دارای رویکرد توصیفی-تحلیلی است و گردآوری اطلاعات و مستندات به روش کتابخانه‌ای انجام شده است. در این پژوهش برای درک بهتر کانسپت طراحی محوطه‌های موردن بررسی، مطالعه مقایسه‌ای با سایر محوطه‌های نیایشگاهی دوره ماد انجام شده است و همانندی‌ها، تفاوت‌ها و ویژگی‌های آن‌ها در انتهای ذکر شده است.

## پیشینه پژوهش

نوشیجان: تپه نوشیجان در سال ۱۳۴۳ خورشیدی موردن شناسایی قرار گرفت. در سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۶ طی ۵ فصل باستان‌شناسی توسط مؤسسه ایران‌شناسی بریتانیا به سرپرستی دیوید استروناخ عملیات

سنچش کانسپت معماری فضای نیايشگاهی در دوران ماد در نوشیجان تپه،  
زاربلاغ و تپه ازبکی

آیین دیوپرستی است. «و در میان این مردمان، یکی از آن‌ها بود که پیش از این دیوان را ستایش می‌کردند و آنگاه به خواست اهورامزدا، دیوکده را خراب کرد و منع کرد که دیوان ستایش نشوند! در آنجا که پیش از این، دیوان ستایش می‌شدند، من اهورامزدا را ستایش کردم.» نسخه پارسی باستان کتیبه از سرکوب قیام در یکی از کشورها و از تخریب یکی از معابد دیوها توسط خشایارشا صحبت می‌کند، در حالی که نسخه اکدی با هر دو اسم از جمع استفاده می‌کند (Dandamaev, 2004, 353 & Lukonin, 2004).

به نظر می‌رسد که بر خلاف حال حاضر که بر سر اقوام شورشی و گستردگی جغرافیایی شورش آنان عقیده واحد وجود ندارد، در آن زمان بر همگان عیان بوده است که اقوام مذکور در کتیبه چه کسانی بوده‌اند، از این رو تا حدی عموم از جزئیات حداثه مطلع بودند که احتیاج به ذکر نام اقوام شورشی نبوده است. اما باید در نظر داشت که در کتیبه اشاره نشده است که اقوام شورشی همان دیوپرستان بوده‌اند که معابد آنان نابود گشته و آنها را از پرستش دیوان منع نمودند، بلکه بیشتر به نظر می‌رسد که مقصود از اقوام شورشی و دیوپرستان در کتیبه دو گروه متفاوت بوده‌اند، به همین جهت در کتیبه آورده می‌شود: «و در میان این مردمان، یکی از آن‌ها بود که پیش از این دیوان را ستایش می‌کرددند و ...» گویا در خود کتیبه هم سعی بر ایجاد تمایز میان اقوام شورشی و این قوم، که دیوان را ستایش می‌کرددند، بوده‌است. هرتسفلد که اولین مقالات را راجع به این کتیبه منتشر کرد، معتقد است که گروه دیوپرست همان مادان بودند و دیوها همان خدایان پیش از زردشت هستند که خشایارشا معابد آنان را نابود کرد و مردم را از پرستش دیوها منع کرد (Herzfeld, 1947, 401). اولمستد هم معتقد بود که خشایارشا در کتیبه خود به خدایان ایران شرقی اشاره می‌کند و همچنین باور داشت دیوپرستان همان ایرانیانی بودند که همچنان برتری اهورا مزا را نپذیرفتند (Olmstead, 1948, 231-232). داندامایف هم معتقد است این خدایان ایران شرقی همان میترا و آناهیتا هستند که پیش از اهورامزدا پرستیده می‌شدند (Dandamayev, 1976, 226). به همین جهت می‌توان نتیجه گرفت که دیوپرستان مورد اشاره در کتیبه ضد دیو خشایارشا اقوام غیرایرانی نبودند و آیینی که خشایارشا به سنتیز با آن برخاست همان آیین مادان است که ایزدان آنان از دیرباز دیو خوانده می‌شند.

### منظور از دیویسنسی و مزدیسنسی

در میان اقوام آریایی دو گروه از خدایان مورد پرستش و احترام بودند که با گذشت زمان میان این دو دسته از خدایان اختلاف و تفاوت پدید آمد. خدایانی که اسورا یا اسوره نام داشتند و گروه دیگر که دیو نامیده می‌شدند. پس از انشعاب و جدایی، هر کدام از این خدایان برای یک دسته از مردمان معتبر گردیدند (سامی، ۱۳۸۹، ۶۷). در گاهان، کهن ترین بخش اوستا آمده است که: دیوان خدایان دشمن هستند، به عبارت دیگر دیوان ایزدان جامعه شرق هستند که با جامعه باورمند به گاهان اختلاف دارند و رفتہ به صورت خدایان دروغین درمی‌آیند و در آیین مزدیسنان ایران، زردشت به نبرد با همین دیوان برمی‌خیزد که خدایان آیین باستانی تر هستند. همین دیوها رفتہ تبدیل به انبوهی از اهریمنان می‌شوند که برای نابودی آنان به مرور زمان قوانینی وضع می‌شود (آموزگار، ۱۳۷۱، ۱۶-۱۷). دیوها گروهی از خدایان آریایی

گرفته، مشخص شد که قدمت لایه‌های معماری تپه ازبکی هزاره هفتم ق.م بر می‌گردد و در سال ۱۳۴۸ قسمت‌هایی از آن توسط کاوشگران مرکز باستان‌شناسی مورد کاوش قرار گرفت و موجب شد با شماره ۹۵۵ در سال ۱۳۵۲ در لیست آثار ملی کشور به ثبت برسد. پس از آن بیکی کوثری طی سال‌های ۱۳۵۳-۵۴ و ۱۳۵۷ تپه ازبکی را مورد کاوش قرار داد. پس از آن تپه ازبکی در شش فصل دیگر از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۴ به سرپرستی یوسف مجیدزاده مورد حفاری قرار گرفت (مجیدزاده، ۱۳۸۹، ۳۵-۴۱). زاربلاغ: پیش از کاوش‌های علمی باستان‌شناسی این محوطه مورد دستبرد حفاران غیر مجاز قرار گرفت. این محوطه نخستین بار در سال ۱۳۴۵ مورد کاوش تجاري قرار گرفت که عبدالحسین شهیدزاده مأمور نظارت بر حفاری بود. متأسفانه گزارش این حفاری اکنون موجود نیست هر چند بعدها یادداشت‌هایی کوتاه در آن باب به چاپ رسید. در همین یادداشت‌ها به کشف آثاری از دوره سلوکی اشاره شده است که احتمالاً مربوط به استقرار دوره‌های بعدی محوطه است. پس از یک وقفه طولانی و در زمستان سال ۱۳۸۵ مهرداد ملکزاده تحقیقات را در زاربلاغ از سر گرفت که شامل نقشه برداری توپوگرافی، نمونه‌برداری تصادفی ساده و حفاری چند ترانشه در تپه اصلی و گورستان بود (ملکزاده، ۱۳۸۲، ۵۳-۵۴؛ Malekzadeh at al., 2014, 162).

### مبانی نظری پژوهش کتیبه ضد دیو خشایارشا (XPh)

این کتیبه را روی یک راه آب در تل تخت پاسارگاد قرار داده بودند. کشف این کتیبه در پاسارگاد، مدت‌ها پس از مرگ کوروش، نشانه توجه به این کاخ در زمان خشایارشا است. همچنین حضور این کتیبه در آنجا بی‌ارتباط با محوطه مقدس پاسارگاد نبوده است. این کتیبه شbahat‌هایی با کتیبه داریوش در نقش رستم (DNA) دارد، بهویژه آنکه کتیبه نقش رستم آخرین متن سلطنتی داریوش است و (XPh) یکی از نخستین متون سلطنتی خشایارشا به عنوان پسر و جانشین داریوش است.

تاریخ دقیق نگارش کتیبه ضد دیو را می‌توان از اشاره آن به ایونی‌های کرانه‌های غربی آسیای صغیر و نیز سرزمین اصلی یونان به دست آورد. هرتسفلد در نخستین مقالات خود، اشاره به (ایونی‌های ساکن در دریا) در کتیبه مذکور را، متنطبق با یونانیان کرانه‌های غربی آسیای صغیر پنداشت و بنابراین، زمان نقر کتیبه را میان ۴۸۶ تا ۴۸۰ ق.م. دانست. وی بعداً مدعی شد یونانیان سرزمین اصلی، در متن کتیبه مقصود نبوده و بنابراین زمان کتیبه را به فاصله ۴۷۹ تا ۴۷۲ ق.م فرض می‌نماید. هرتسفلد سرانجام سال ۴۷۸ ق.م را پذیرفت که تقریباً به زمان کنت، یعنی ۴۷۹ ق.م نزدیک است (عبدی، ۱۳۹۹، ۲۶۷). خشایارشا در بند چهارم به اقوامی اشاره می‌کند که به هنگام جلوس او بر تخت، طغیان کرده بودند: «هنگامی که من شاه شدم، در میان مردمانی که در بالا اسماش نوشته شد، یکی از آن‌ها شورش کرده بود. آنگاه، اهورامزدا کدام سر جای خود نشاندم.» (بند ۴) مشخص نیست مقصود خشایارشا کدام مردم است و ما قوم مورد نظر کتیبه را نمی‌شناسیم و نمی‌دانیم که چرا خشایارشا دقیقاً نامی از آن‌ها نبرده است (بریان، ۱۳۹۱، ۸۷۵).

در بند پنجم، مهم‌ترین خصیصه این کتیبه نهفته است و آن اشاره به مردمان دیوپرست و تخریب دیوکده‌های آنان و منع اعلام کردن

حاجی خان اظهار نظر نمود (همان، ۱۰۶). علاوه بر حاجی خان فامنین، فضاهای نیایشگاهی دیگری که در این مقاله به آن‌ها اشاره می‌شود عبارت‌اند از: نوشیجان تپه ملایر (Stroach, 1967)، زاربلاغ علی‌آباد قم (Malekzadeh et al., 2014)، واسون کهک (ملکزاده، ۱۳۸۳)، دز مادی ازبکی (مجیدزاده، ۱۳۸۲) و تخت‌آباد بیرجند (دان، ۱۳۹۴)، محوطه‌های دیگری هم از دوره ماد چار پرشدگی شده‌اند از جمله: Xin & Lecomte (Malekzadeh et al., 2014) و الغ‌تپه (Malekzadeh et al., 2012) در ترکمنستان امروزی. پژوهشگران و باستان‌شناسان نامبرده در بالا، در کاوش‌های خود شواهد پرشدن بدون تخریب بنای‌ها مذکور را ثبت کرده‌اند. محوطه‌های مذکور بدون هتك حرمت به طور کامل پرشده‌اند و در انتهای کاملاً مهر و موم شده‌اند تا دسترسی به آن‌ها ممکن نباشد (رسم توضیحی ۱).

### بستر محیطی

#### موقعیت جغرافیایی نوشیجان تپه

تپه باستانی نوشیجان در دشت ملایر بر پشت‌های مرتفع سر برآورده است. این دشت در میان کوهستان و چین خوردگی‌های زاگرس مرکزی و غرب ایران واقع شده است. فاصله محوطه باستانی نوشیجان از جنوب همدان حدوداً ۶۰ کیلومتر و از شمال-غرب شهرستان ملایر ۲۰ کیلومتر می‌باشد. این محوطه باستانی بیضوی شکل که در شرق آن دارای پشت‌های کوچکتری است در ارتفاع ۳۷۷ متری بر روی تپه اصلی واقع شده و با توجه به محوطه‌های باستانی و تاریخی پیرامونش، تقریباً در میانه دشت قرار دارد. وجود دیگر آثار باستانی، منظری و طبیعی در اطراف آن و عبور راه‌های مهم باستانی در حوالی آن از جمله راه شاهی شوش به هگمتانه، حکایت از اهمیت این محوطه باستانی در آن دوران دارد. مجموع مساحت فضای واقع در روی تپه اصلی حدوداً ۱۰۰ در ۴۰ متر می‌باشد.

#### موقعیت جغرافیایی زاربلاغ علی‌آباد

تپه زاربلاغ در حوالی کیلومتر ۷۰ جاده تهران-قم در نزدیکی اتوبان و در منطقه علی‌آباد قرار دارد. زاربلاغ محوطه‌ای وسیع است که بر روی پشت‌های و پستی و بلندی‌های طبیعی شکل گرفته است. بر روی یکی از پشت‌های که تقریباً در مرکز محوطه واقع شده است، بنایی دیده می‌شود که از سنگ لاشه ساخته شده و بر روی سطح محوطه سفالینه‌های

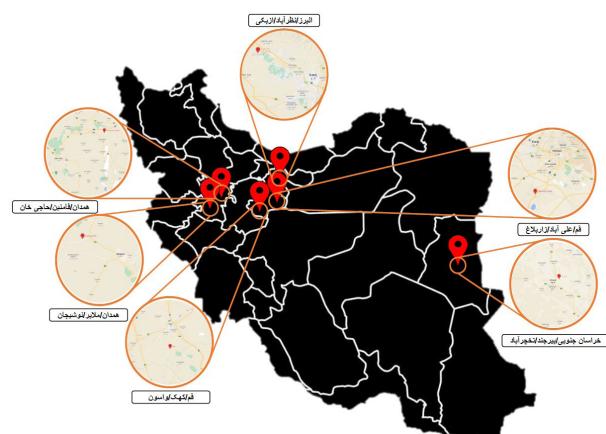
بودند که جایگاه مقدس خود را در آیین باستانی ایران از دست دادند و روند شیطان سازی را طی کردند و به مرور نزد ایرانیان مزداپرست، خدایان دروغین و دیو قلمداد شدند (Abdi, 2007, 55).

مزداپرستی به شیوه‌ای که در شرق ایران موسوم بود در اثر نفوذ آیین ترکیبی که پس از نگارش گاهان پدید آمد، آیین زرده‌شده را با آیین ایزدان مقبول مادها تتفقی کرد. اوستای جدید، مزداپرستان (مزدیسان) را در قطب مخالف دیوپرستان (دیویسان) قرار می‌دهد. در یشت‌های کهن که در شرق ایران به رشته تحریر درآمد، دیویسان نشانگر دشمنانی است که ویشتاسب حامی زرده‌شده علیه آنان به نبرد بر می‌خیزد. یشت‌ها به طور کلی به رویدادهای گذشته که مملواز مضامین اساطیری است مربوط می‌شود. ولی در بخش‌هایی که از دیوها سخن رفته گونه‌ای تازگی به چشم می‌خورد و جنبه‌ای کاملاً نو و معاصر دارد و دیگر خبری از خاطرات تاریخی نیست و به دیویسانی اشاره می‌شود که در کنار مزداپرستان زندگی می‌کنند. در اقع در سرزمین ماد و میان مزداپرستان گروهی به آیین ایرانی دیگری که در قدمات با آیین مغان پهلو می‌زد اعتقاد می‌ورزیدند که در گویش مادی به آنان دیویسان (در مقابل مزدیسان) می‌گفتند. شاید دیویسان اصطلاحی است که از مادها به دوران هخامنشی رسیده است و در این دوره این لقب به کسانی اطلاق می‌شده که با مزداپرستی اختلاف آیینی داشته‌اند، چون به آیینی که با آیین مغان مغایرت داشته است معتقد بوده‌اند و خدایان دیگری را پرستش می‌کردند (آموزگار، ۱۳۷۱، ۲۰).

#### محوطه‌های مورد بررسی

تا قبل از مطالعات و کاوش‌های باستان‌شناسی بر محوطه‌های زاربلاغ و واسون، به نظر می‌رسید معبد مرکزی نوشیجان تپه اتفاقی منحصر به فرد است که به عنوان یک بنای مذهبی از دوره ماد در شمال غربی ایران باقی مانده است. اما مطالعات باستان‌شناسی و کاوش‌های باستان‌شناسی در ۱۳۸۲ در زاربلاغ علی‌آباد و در ۱۳۸۳ در واسون کهک نشان داد که یک پدیدار فرهنگی واحد میان نوشیجان، زاربلاغ و واسون وجود دارد که در این پژوهش به آن خواهیم پرداخت. در انتهای حیات این بنای یک سرگذشت و سرنوشت بر زاربلاغ و واسون رقم خورده است. این دو مجموعه مانند نوشیجان بنای‌های نیایشگاهی از دوره ماد بودند که وقتی حیات فرهنگی و مذهبی در آن منطقه به پایان رسید، با احترام و بدون هتك حرمت، مهر و موم شده‌اند تا برای آیندگان باقی بمانند (ملکزاده، ۱۳۸۳، ۵۱-۴۲، ۱۳۸۴-۱۶۰).

در زمستان ۱۳۹۵ و بهار ۱۳۹۶ در محوطه پتروشیمی این سینای فامنین در همدان نیایشگاهی از دوره ماد یافت شد و همین امر سبب شد تا شناخت ما از فرهنگ، هنر و معماری دوره ماد بیشتر شود، چرا که این محوطه همانند نوشیجان از سازه‌های مذهبی دوره ماد است (ملکزاده و همکاران، ۱۳۹۸، ۹۲). با این تفاوت که در بخش نیایشگاهی معبد حاجی خان فامنین که آتشدان در آن واقع است، آثاری از پرشدگی مشاهده نشده است و همین امر سبب می‌شود که این محوطه کمی متفاوت از نوشیجان به نظر برسد. همچنین لازم به ذکر است که بخش‌های بیرونی این معبد هنوز کاوش نشده است، اما در بخش بیرونی دیوارهای معبد، شواهدی از پوشش خشتم در اطراف دیوارها قابل مشاهده است که با انجام کاوش در فصول بعدی، به طور دقیق می‌توان راجع به سنت مسدودسازی بخش بیرونی معبد



رسم توضیحی ۱- محل قرارگیری محوطه‌های مورد بررسی نسبت به یکدیگر بر نقشه ایران.

سنچش کانسپت معماری فضای نیايشگاهی در دوران ماد در نوشیجان تپه،  
زاربلاع و تپه ازبکی

اصلی حدوداً ۱۰۰۰ متر مربع است (مجیدزاده، ۱۳۸۹، ۴۲). هر سه محوطه بر تپه و بالاتر از سطح زمین اطراف خود قرار گرفته‌اند، با این تفاوت که ازبکی و نوشیجان تک بنا نیستند و یک مجموعه معماری به حساب می‌آیند و طبعاً وسعت بیشتری از زاربلاع به عنوان یک بنای مستقل دارند (رسم توضیحی ۲). از این منظر، تفاوت سطح اشغال شده در محوطه‌ها در تصویر هوایی (رسم توضیحی ۲) قابل مشاهده و مقایسه است که زاربلاع به مراتب کوچک‌تر از ازبکی و نوشیجان است. همین امر در قرار گیری این محوطه‌ها بر بستر مکانی اثرگذار بوده است، نوشیجان در دشت ملایر و ازبکی در دشت نظرآباد قرار گرفته‌اند و تپه‌هایی که این دو محوطه بر آن‌ها قرار گرفته‌اند از سطح دشت بالاتر هستند و این محوطه‌ها دید مناسبی از اطراف به داشت دارند و به آن مشرف‌اند. این

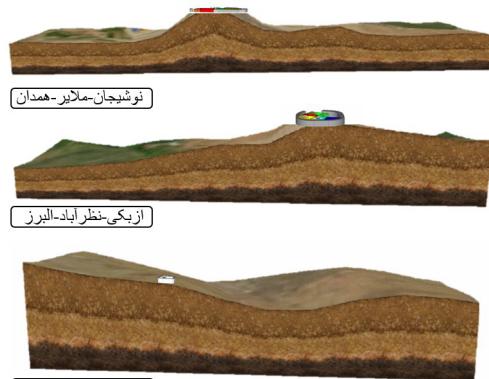
بسیاری پراکنده است.

### موقعیت جغرافیایی تپه ازبکی نظرآباد

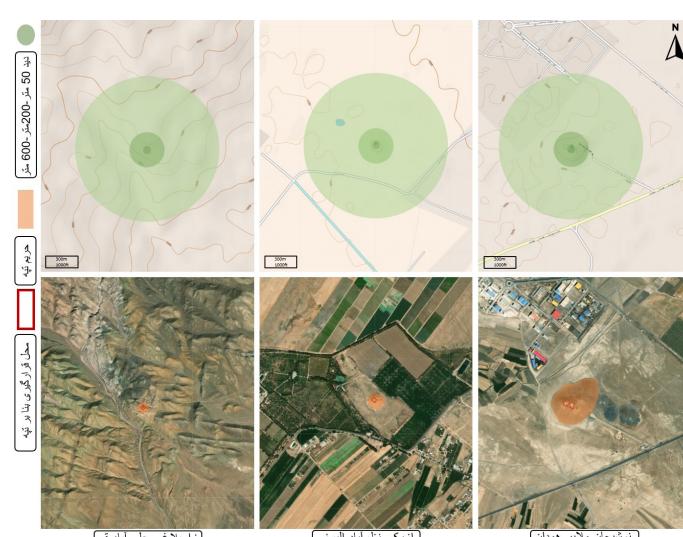
محوطه باستانی ازبکی در کیلومتر ۸۵ شمال-غرب تهران در نزدیکی شهرستان ساوجبلاغ و در ۱۵ کیلومتری جنوب-غرب شهر قدیم هشتگرد و ۵ کیلومتر از شهر نظرآباد و در شمال شرق روستای ازبکی قرارده دارد. محوطه باستانی ازبکی شامل یک تپه بلند مرکزی به ارتفاع حدود ۲۶ متر (ضخامت لایه‌های باستانی تپه تا سطح خاک بکر به حدود ۳۰ متر هم می‌رسد) و تعدادی تپه کم ارتفاع است که ارتفاع بلندترین آن‌ها از چند متر تجاوز نمی‌کند. این محوطه در کل مساحتی در حدود یک صد هکتار را پوشش می‌دهد و مجموع فضای روی تپه



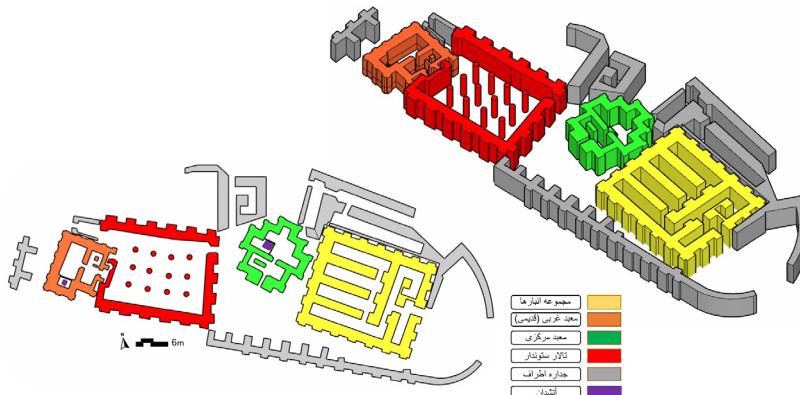
رسم توضیحی ۲- بش سه‌بعدی عوارض طبیعی. مأخذ: (3d-mapper.com)



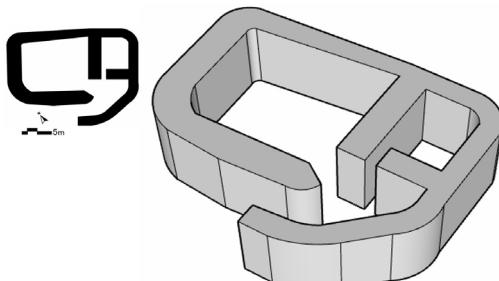
رسم توضیحی ۳- بش محل قرارگیری محوطه‌ها بر سایت پلان. مأخذ: (3d-mapper.com)



رسم توضیحی ۴- نقشه توپوگرافی و تصاویر ماهواره‌ای. مأخذ: (topographic-map.com)



رسم توضیحی ۵- پرسپکتیو و پلان محوطه نوشیجان، تفکیک فضاهای معماری، بازترسیم از نگارندگان. مأخذ: (استروناخ و رف، ۱۳۹۰، ۱۶)



رسم توضیحی ۶- پرسپکتیو و پلان محوطه زاربلاغ - فضای معماری، بازترسیم از نگارندگان. مأخذ: (Malekzadeh et al., 2014, 161)

توجه به مدارک موجود پوشش فضای پیشخوان و راهپله مارپیچی بنا با استفاده از توپریزه‌های خشتی صورت گرفته است (همان، ۱۲۵).

#### معبد غربی

بنای غربی در غربی‌ترین نقطه مجموعه نوشیجان واقع شده است. این بنا دومین بنای بزرگ محوطه نوشیجان است که در فاصله ۱۹۶۷ متری معبد مرکزی قرار دارد. نمای شرقی این بنا در کاوش سال ۱۹۷۰ شناسایی شد و در سال ۱۹۷۰ حفاری در تعداد دیگری از اتاق‌های این بنا انجام شد. نتایج حفاری‌های صورت گرفته یک بنای کامل دو طبقه بود که کشیدگی شمالی-جنوبی با کمی تمایل به سمت شمال-شرقی دارد. این بنا در جهت شمالی-جنوبی ۱۴ متر و در جهت شرقی-غربی ۱۳ متر طول دارد که کمی کوچک‌تر از بنای معبد مرکزی است. می‌توان گفت طول و عرض آن تقریباً برابر است (Stronach and Roaf, 2007, 67-68).

#### زاربلاغ علی آباد قم

##### بنای سنگی (نیایشگاه مادی)

بنای سنگی زاربلاغ نقشه و سازه‌ای پیچیده دارد و تقریباً به تمامی با تخته سنگ و لاشه سنگ‌های بزرگ و کوچک و با ملات گل ساخته شده است (رسم توضیحی ۶). در دیوار شرقی اتاق بزرگتر، دیوار مشترک میان دو اتاق به بلندی تقریبی ۸ متر بیشترین ارتفاع باقی‌مانده بنا را حفظ کرده است. بیشترین شواهد و قرائن دو طبقه‌بودن بنا در اینجا در دیوار جنوبی اتاق کوچک‌تر حفظ شده که در اینجا بقایای سقف طبقه پایینی و بقایای کف درگاهی طبقه بالایی دیده می‌شود (Malekzadeh et al., 2014, 167-168). از کف طبقه دوم بنا به غیر از داغی از آن بر روی دیوارها و حفره‌هایی برای کار گذاشتن چوب سقف طبقه پایین چیزی باقی نمانده است (تصویر ۱). طبقه پایین عبارت است

از رف محوطه‌ها در (رسم توضیحی ۴) با دید ۵۰ متر و ۲۰۰ متر و ۵۰ متر نشان داده شده است. در نقشه‌های توپوگرافی می‌توان عوارض و بلندی‌های منطقه و جایگاه محوطه‌ها نسبت به آن‌ها را سنجید. برخلاف نوشیجان و ازبکی، زاربلاغ در بستر دشت قرار ندارد و بسته‌ی که بر آن واقع است، یک منطقه سراسر ناهموار است که در نقشه‌های توپوگرافی (رسم توضیحی ۴) قابل مشاهده است. نحوه قرارگیری بناها در محوطه در (رسم توضیحی ۳) نشان داده شده است. در این رسم می‌توان به وضوح مشاهده کرد که میزان اشراف مجموعه‌های معماری نوشیجان و ازبکی به محوطه پیرامونی به مراتب بیش از زاربلاغ به عنوان تک‌بناست.

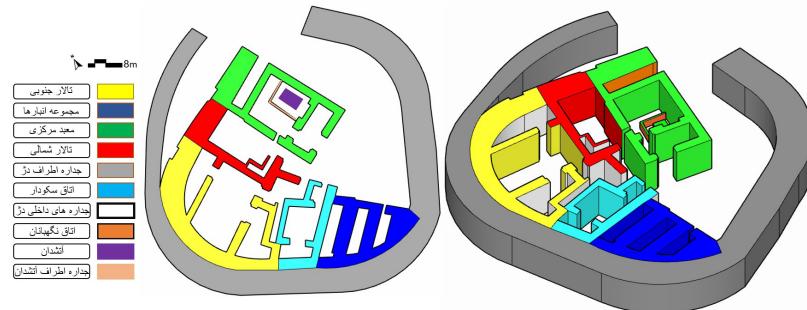
#### نوشیجان تپه ملایر

نوشیجان تپه در فاصله سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۷ توسط یک هیأت انگلیسی به سرپرستی دیوید استروناخ مورد کاوش قرار گرفت که در نتیجه آن مجموعه بناهای ارزشمندی که کمک بزرگی به شناخت معماری مادی کند، کشف گردید (رسم توضیحی ۵). مجموعه مکشوفه در رأس تپه و در اصل داخل حصاری بیضوی شکلی قرار داشته و شامل بنای معبد مرکزی (که در نقطه مرکزی تپه قرار گرفته و مهم‌ترین بنای مجموعه بهشمار می‌رود)، معبد غربی قدیمی، مجموعه انبارها، تالار ستون‌دار، فضاهای طاقدار جنوبی و غربی و بقایای بناهای دیگر می‌شود. آثار مکشوفه ویژگی‌های بسیار مهمی دارند که عبارتند از: کشف دو بنای مهم مذهبی که اطلاعات ارزشمندی در خصوص مراسم‌های مذهبی و معماری مذهبی مادها فراهم می‌کنند، تنوع زیاد در گونه‌شناسی بناها (معبد، قلعه، انبار، تالار ستون‌دار، فضاهای طاقدار، آبانبار و تونل)، تنوع زیاد در تزیینات معماری خشتی و مانندگاری جزئیات و تکنیک‌های خاص معماری که در دیگر محوطه‌های باستانی نمونه‌ای برای آن‌ها نمی‌توان پیدا کرد (ملزاده و محمدیان منصور، ۱۳۹۰، ۱۲۱).

#### معبد مرکزی

معبد مرکزی مهم‌ترین بنای محوطه نوشیجان است که به هنگام پایان حیات آن با دقت بسیار با قطعات خرد سنگ، به ارتفاع ۶ متر، سپس با لایه‌های متناوب گل و سنگ و در نهایت با لایه‌های خشت و گل انباسته شده و در میان پوشش برجی شکل از خشت و گل مدفون شده است. همزمان با انباسته داخلی، بنا از بیرون نیز با پوسته‌ی ضخیمی از خشت و گل دربر گرفته شده و در نهایت بنا در میان برجی نیم‌دایره شکل، مدفون شده است. اقدامات مذبور سبب شده که علیرغم گذشت بیش از ۲۶۰۰ سال، بنا در وضعیت بسیار خوبی باقی بماند. با

سنچش کانسپت معماری فضای نیايشگاهی در دوران ماد در نوشیجان تپه،  
زاربلاغ و تپه ازبکی



رسم توضیحی ۷- پرسپکتیو و پلان محوطه ازبکی، تفکیک فضاهای معماری، بازترسیم از نگارندهان. مأخذ: (مجیدزاده، ۱۳۸۹، ۱۱۹).



تصویر ۲- بنای سنگی و دیوارهای متصل به آن، از سمت شمال.  
مأخذ: (Malekzadeh et al., 2014, 180).



تصویر ۱- تصویر جای تبرهای جامانده در جداره بنا- زاربلاغ.  
مأخذ: (Malekzadeh et al., 2014, 181).

(۲۲۱) در پایان حفاری در دز ازبکی در مجموع ۱۷ فضای معماري در ابعاد گوناگون به ثبت رسید که می‌توان آن‌ها را در مجموعه‌های زیر دسته‌بندی کرد: با روی پیرامون دز، حیاط بزرگی که بخش شرقی دز را اشغال کرده بود، انبارهای گوشه جنوبی، تالار بزرگ جنوبی (در گوشه جنوب غربی)، تالار شمالی در میانه غرب دز (در حدفاصل تالار معبد و تالار بزرگ جنوبی)، اتاق بزرگ سکوندار همسایه شرقی تالار بزرگ جنوبی در جنوب دز، تالار معبد (همسایه شمالی تالار شمالی در منتهایه شمال-غرب دز)، اتاق نگهبانان در شمال-غرب تالار شمالی، یک صندوقخانه متعلق به مراحل پایانی حیات دز در انتهای غربی تالار معبد، تاسیسات آشپزخانه‌ای در پشت باروی دز در انتهای شمال-غرب تپه و به احتمال فراوان دو واحد دیگر یکی راه دقیق صعود به بالای تپه و دیگری دروازه ورود به دز، محلی در نزدیکی اتاق دروازه‌بانان که باید به آن‌ها افزوده شود. این واحدها کاملاً مستقل از یکدیگر و بدون راه ارتباطی از درون ساخته شده و تنها ارتباط آن‌ها با یکدیگر از طریق حیاط امکان پذیر بود (همان، ۲۲۱). مهم‌ترین فضاهای معماري در نیمه غربی دز واقع شده بودند، زیرا باروی دز در این قسمت کاملاً مستقیم بود و به مهندسان و معماران اجازه می‌داد با دست بازتری نقشه فضاهای معماري وسیع‌تر را پیاده کنند. دو تالار و یک تالار معبد در این قسمت بنا شده بود. افزون بر آن، گوشه‌های گونیا شده این سه تالار نشان می‌داد که نقشه این بخش از ساخت و سازها اصل قرار گرفته و سپس سعی شده است امتداد دیوارها و گوشه‌های دیگر فضاهای معماري در جنوب و جنوب-غرب دز با آن‌ها انطباق داده شود (همان، ۲۲۲). فضاهای معماري در محدوده دز در بخش‌های شمالی، غربی و جنوبی متتمرکز شده و تمامی شرق و شمال-شرق آن برای حیاط بزرگی به وسعت تقریبی ۳۵۰ متر مربع اختصاص یافته بود. به استثنای تأسیسات آشپزخانه‌ای که در بیرون از محدوده دز قرار داشت، کف فضاهای مختلف به طور کامل کاوش نشده‌اند. اما در نقاطی که کاوش‌ها به سطح کف رسیده‌اند مشخص شده که کف‌ها ابتدا با خشت فرش

از دو اتاق به هم چسبیده یکی بزرگ‌تر  $5 \times 5$  متر و دیگری کوچک‌تر  $3 \times 3$  متر که راه دسترسی به اتاق کوچک‌تر از درگاهی است (Ibid., 168-170). برای ساختن بنا تمیهیات خاصی اندیشیده‌اند بدین ترتیب که نخست در دل پشتۀ طبیعی در جناب غربی به ابعاد سازه مورد نظر زمین را کنده‌اند و حدوداً تا عمق ۵ متر پایین رفته و پی‌با را بر آن استوار کرده‌اند. این تمیهید از یک سو موجب حفاظت جسم بناءز سمت غرب در پشتۀ طبیعی شده و از سوی دیگر کل بنا تحت تاثیر قرار داده و موجب مخروطی‌شدن سازه شده، بدین معنی که قاعده کل بنا و هر اتاق بیضوی شده و هر چه بر ارتفاع بنا افزوده می‌شد دیوارها به هم نزدیک‌تر و از ابعاد سازه کاسته می‌شد (تصویر ۲). ورودی بنا هم در جبهه جنوبی است. کاربری بنا هم چنانچه از سازه پیداست بنایی استحکاماتی نیست، کاخ یا کوشکی شاهانه هم نیست بنابراین احتمالاً با توجه به ساختار ویژه‌اش می‌توان آن را بنایی آیینی به‌شمار آورد (Ibid., 168-172). در این محوطه هیچ اثری از وجود آتشدان یافت نشد.

### تپه ازبکی نظرآباد محوطه

آثار به‌دست آمده از این محوطه معرف استقراری از اوایل هزاره ششم یا اواخر هزاره هفتم ق.م تا اواسط هزاره اول ق.م است. این دوره طولانی از قدیم به جدید به چهار دوره اصلی استقراری تقسیم شده است که طبقه چهارم آن معرف استقراری از عصر آهن سه یا دوره ماد است که تحت عنوان دز مادی در منابع به آن اشاره شده است. بقایای دز حدود ۱۰۰۰ مترمربع وسعت دارد. دز مذبور را حصاری مستحکم به ضخامت حدود ۵ متر در بر گرفته است. طرح خاص این حصار به احتمال بسیار متأثر از شکل و توپوگرافی رأس تپه بوده است (رسم توضیحی ۷). شواهد نشان می‌دهد که ابتدا حصار مدور دز ساخته شده است و سپس بنایی داخلی متناسب با طرح حصار شکل گرفته‌اند. برای پی‌این دیوار از سنگ‌های طبیعی رودخانه‌ای استفاده شده است (مجیدزاده، ۱۳۸۹).

باقیایی طبقه دوم و پلکان منتهی به آن - که احتمالاً یک سازه چوبی داشته است - به طور کلی نابود شده است. با توجه به آثار کف طبقه دوم بر جداره اطراف و محل قرارگیری تبرهای نگهداره سقف طبقه اول بر روی دیوارهای شرقی نیایشگاه، می‌توان تصور کرد که یک آتاق در طبقه دوم وجود داشته است که به کلی فرو ریخته است.

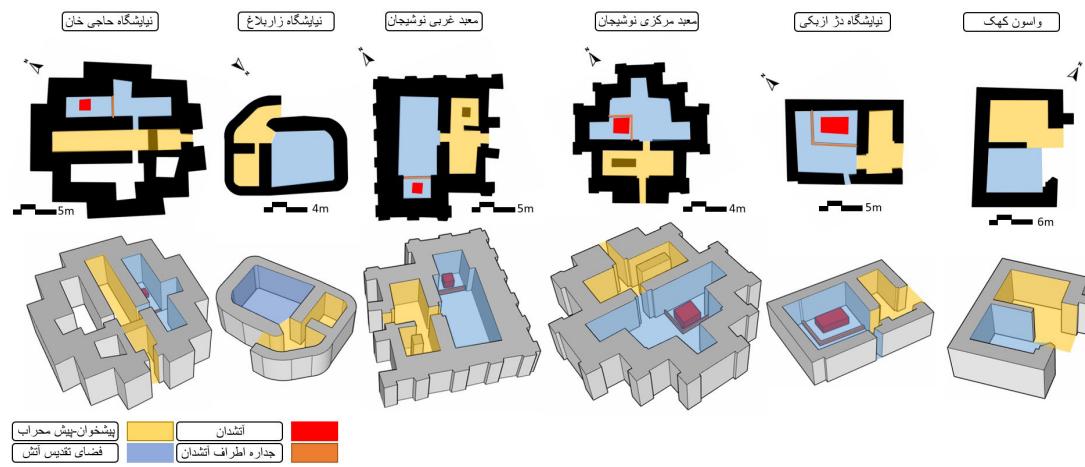
نیایشگاه ازبکی هم تقریباً از همین الگو برای طراحی استفاده می‌کند با این تفاوت که در زاربلاع و نوشیجان فضای پیش‌محراب در طبقه بالاتر و با اشرف بیشتر به فضای تقدیس آتش قرار گرفته است، اما در نیایشگاه دژ مادی ازبکی فضای پیش‌محراب هم تراز با فضای مقدس قرار گرفته است. مجیدزاده درباره این تالار این چنین می‌گوید: «با توجه به وسعت این تالار، وجود چهار تاقچه ترینی لغوزدار، سکوی مزین به آبچکان از یک سو و از سوی دیگر کاربرد این گونه سکوها در معابد پیش از تاریخ و دوران تاریخی که به سکوی نذورات شهرت دارد، شاید بتوان این فضای معماري را یک عبادتگاه در حساب آورد. عبادتگاهی که فضای درون آن همچون خود را به خشت داده بود» (مجیدزاده، ۱۳۸۹، ۲۲۹).

در این نیایشگاه فضای تقدیس آتش از فضای بیرونی هم یک ورودی مجزا دارد ولی ورودی اصلی آن از فضای پیش‌محراب می‌گذرد (رسم توضیحی ۸). متأسفانه بخش اعظمی از دیوار بین فضای پیش‌محراب و تقدیس آتش، پیش از کاوش‌های باستان‌شناسی از بین رفته بود ولی گمان می‌رود که مانند نیایشگاه مرکزی نوشیجان تپه در این دیوار رونهای به سمت فضای مقدس وجود داشته است تا افرادی که اجازه حضور در فضای مقدس را نداشتند، بتوانند به واسطه این پنجره مراسم را مشاهده کنند. اما شواهد امروزی از این دیوار در حدی نیست که بتوان با قطعیت چنین نظریه‌ای پرداخت. ملازده دیواره احتمال وجود پنجره در دیوارهای این نیایشگاه اینچنان می‌گوید: «همچنین در ارتفاع کاوش شده دیواره، هیچ نشانه‌ای از پنجره به دست نیامده است، از این رو احتمال دارد همانند بنای قلعه نوشیجان پنجره یا نورگیرها در انتهای فوقانی دیوارها که از میان رفتہ‌اند تعییه می‌شده است» (ملازده، ۱۳۹۶، ۲۹۶). این دقیقاً همان کارکردی است که در زاربلاع و نوشیجان مشاهده می‌شود ولی در نیایشگاه دژ مادی ازبکی در طبقه بالاتر قرار نگرفته است. به طور کلی می‌توان فرض کرد که فضای تقدیس آتش

شده و سپس سطح آن‌ها با گل اندوش شده است (ملازده، ۱۳۹۶، ۲۹۶). شمالی‌ترین فضای معماري در دژ ازبکی تالار معبد بود که ۱۱ متر طول و ۶/۸۰ متر عرض داشت و از این لحاظ بزرگترین فضای معماري در دژ بود. فضای درون این تالار که نیایشگاهی بوده است، پیش از تخلیه دژ و پایان حیات اصلی دژ، به طور کامل با خشت‌چین پر شده بود (مجیدزاده، ۱۳۸۹، ۲۲۸). به نظر می‌رسد بعد از پایان حیات اصلی دژ تغییراتی در آن صورت گرفته و استقرار کم اهمیت‌تری شکل گرفته است. در جریان این تغییرات بخش زیادی از تالار سکودار با خشت و ملات گل پر شده و همچنین توده بزرگی از خشت در حیاط بزرگ انباشت شده است. در جمع‌بندی باید گفت که دژ طبقه چهارم ازبکی با توجه به گونه‌شناسی سفال و نیز ویژگی‌های معماري، مربوط به عصر آهن سه است و با توجه به تشابهات معماري و نیز حضور مسلط مادها در منطقه، می‌توان این دژ را مقر یکی از حاکمان محلی دانست (همان، ۲۴۲). فضاهای داخلی آن نیز برای سکونت، مراسم و تشریفات و بخشی نیز احتمالاً برای انجام مراسم‌های مذهبی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. ساخت بنای ازبکی به اوآخر دوره ماد و پر شدگی آن به اوایل دوره هخامنشی برمی‌گردد (مجیدزاده، ۱۳۸۲، ۱۰۱-۱۰۲).

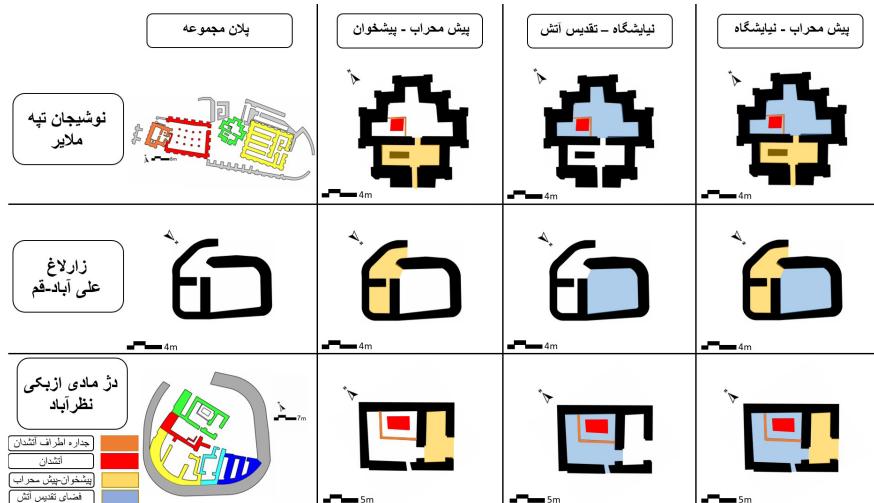
## تحلیل معماري فضای نیایشگاهی در نوشیجان تپه و زاربلاع و دژ مادی ازبکی

ابتدا باید اشاره کرد که نیایشگاه مرکزی چلیپا شکل نوشیجان دارای سه فضای معماري بوده که یک فضا از دو فضای دیگر مجزا بوده و آن دو فضای دیگر، با یکدیگر در تعامل بودند. فضای معماري مجزا، فضای تقدیس آتش است که به جهت تفکیک در ترسیمات با رنگ آبی مشخص شده است. (رسم توضیحی ۸) فضای دوم متشكل از یک اتاق به عنوان پیش‌محراب در طبقه دوم است که با پنجره‌ای به مراسم‌های انجام شده در فضای تقدیس آتش اشرف داشته است. فضای سوم متشكل از یک پیشخوان و رامپله است که دسترسی به اتاق طبقه دوم از طریق آن بوده است. این دو فضا در مجاورت و تعامل با یکدیگر قرار داشتند و به همین جهت این دو فضا با هم در ترسیمات با رنگ زرد مشخص شده‌اند. (رسم توضیحی ۸). باید اشاره کرد که این سه فضا در نیایشگاه مرکزی نوشیجان وجود دارد، در زاربلاع جای خود را که در نیایشگاه مرکزی نوشیجان وجود دارد، باز ترسیم نگارند گان. به یک چهار ضلعی با گوشه‌های گرد و منحنی داده است. متأسفانه



رسم توضیحی ۸ - پلان دو بعدی محوطه‌ها و پرسپکتیو سه بعدی آن‌ها، باز ترسیم نگارند گان.

سنچش کانسپت معماری فضای نیايشگاهی در دوران ماد در نوشیجان تپه،  
زاربلاغ و تپه ازبکی



جدول ۱- تحلیل جامایی فضای پیش محراب و نیايشگاه، بازترسیم و تحلیل پلان از نگارندگان.

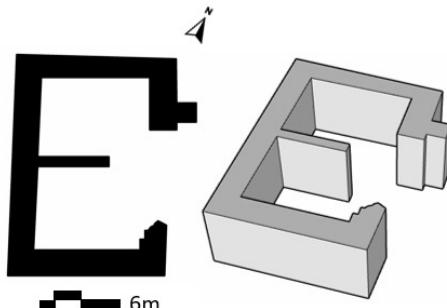
بحث در این پژوهش، بناهای دیگری از جمله بنای سنگی واسون کهک، نیايشگاه حاجی خان فامنین و نیايشگاه غربی نوشیجان تپه نیز سنجدیده شده‌اند.

### بررسی محوطه‌های مشابه واسون کهک

بررسی معماری و سازه بنای واسون در کهک نشان می‌دهد که فضاهای پیشخوان و پیش محراب و فضای تقسیس آتش در آن مانند نوشیجان و زاربلاغ است، اما نه با پلان چهارضلعی با گوشه‌های مدور یا چلپا شکل، این‌بار با پلان چهارگوش (رسم توضیحی ۹). به نظر می‌رسد که بنای واسون کهک نیز یک نیايشگاه مادی بوده است ولی به جهت تخریب‌هایی که توسط حفاران غیر مجاز برای محوطه رقم خورده است بخش‌هایی از انود ببرونی که جهت مهره‌موم کردن بنا استفاده شده بود و بخش‌هایی از دیوارهای اصلی بنا تخریب شده است. تحلیل مفهومی ریز فضاهای این بنا و توجه به اینکه این بنا هم نمونه‌های ذکر شده مهر و موم شده است فرضیه نیايشگاه بودن این بنا را تقویت کرده است (ملکزاده، ۱۳۸۳، ۴۲-۵۱). در این محوطه هیچ اثری از وجود آتشدان یافت نشد.

### حاجی خان فامنین

پس از کاوش‌های زمستان ۱۳۹۵ و بهار ۱۳۹۶ و کشف معبد حاجی خان فامنین و یافتن آتشدانی بسیار مشابه با نمونه‌ای که در نیايشگاه مرکزی نوشیجان تپه یافت شد، می‌توان ادعا کرد که این بنا هم یک نیايشگاه مادی دیگر است. بنا از نظر فرم شباهت زیادی با نیايشگاه مرکزی نوشیجان دارد ولی هنوز شواهدی بر اثبات پرشدگی در فضای نیايشگاهی این محوطه وجود ندارد و بخش‌های چهار و پنج و شش که روی نقشه (رسم توضیحی ۱۰) قابل مشاهده هستند، پرشده‌اند که کاربری مذهبی نداشته‌اند و این بنا را نمی‌توان مانند نوشیجان و سایر محوطه‌های مذکور در این تحقیق نیايشگاه مهره‌موم شده دانست (ملکزاده و همکاران، ۱۳۹۸، ۹۲-۱۰۸). با توجه به عدم کاوش در تمام بخش‌های ببرونی معبد چلپایی، این نکته مسلم است که تا زمانی که تمام دیوارها و فضاهای از زیر خاک خارج نشده و کاوش در بخش‌های



رسم توضیحی ۹- پرسپکتیو و پلان واسون کهک (نمایش دیوارهای آتشدانی)، بازترسیم نگارندگان. مأخذ: (ملکزاده، ۱۳۸۳، ۴۲)

یک فضای معماری با ماهیت جداگانه از دو فضای دیگر است و با توجه به آتشدانی که در نیايشگاه مرکزی نوشیجان تپه و نیايشگاه دز مادی ازبکی وجود دارد می‌توان ادعا کرد که این نیايشگاه‌ها دارای فضایی با استقلال مفهومی از سایر بخش‌های مجموعه هستند. احتمالاً ورود به این فضا در زمان مراسم‌های آیینی برای همگان مجاز نبوده و فقط موبدان و روحانیون اجازه حضور در پیشگاه آتش مقدس را داشته‌اند. همین امر سبب می‌شود که حضور سایرین در کنار آتش مقدس ممکن نباشد. به همین جهت این نیايشگاه‌ها از نظر مفهومی و ساختاری به صورت دو بخشی طراحی می‌شوند، به این معنی که در یک بخش فقط مغان و روحانیون مجاز به حضور هستند و به جهت اینکه سایرین هم بتوانند در مراسم حضور پیدا کنند، بخش دیگری در مجموعه طراحی می‌شود که شامل اتفاقکی با یک پنجره مشرف به فضای مقدس است. لازم به ذکر است با مطالعه سایر نیايشگاه‌های مادی می‌توان گفت وجود روزن به سمت فضای تقسیس آتش در کامل ترین نمونه‌های نیايشگاهی به چشم می‌خورد، مانند نیايشگاه مرکزی نوشیجان تپه. در نیايشگاه‌های ساده‌تر مانند واسون کهک به دلیل فرو ریختن جداره میانی شواهدی از وجود روزن به سمت فضای مقدس یافت نشده است. به نظر می‌رسد کاربرد فضای پیش محراب و تقسیس آتش در معماری نیايشگاهی ماد و کانسپت مفهومی طراحی نیايشگاه، در این دوره مشترک بوده است (جدول ۱). سایر بناهای نیايشگاهی کاوش شده از این دوره، ظواهر متفاوتی دارند اما می‌توان ادعا کرد از نظر کانسپت طراحی با یکدیگر شباهت‌هایی دارند. به همین جهت در این تحلیل به جز سه بنای مورد

است. تخرچرآباد همانند بنای نوشیجان با لاشه سنگ و خشت، دژ مادی ازبکی با خشت، بنای واسون کهک و بنای زاربلاغ با لاشه سنگ پر شده است. از طرفی تخرچرآباد با بنای زاربلاغ شباهت‌هایی دارد و آن این که علاوه بر داخل بنا، خارج بنا را نیز احاطه کرده‌اند (دان، ۱۳۹۴، ۶۷). از طرفی آثار معماري به دست آمده در تخرچرآباد با بنای نیمه‌ی غربی ایران که در آن‌ها پرشدگی عمدی گزارش شده است مشابه است. ساخت بنای نوشیجان در زاگرس به دوره ماد (سده ۸ پ.م) و پرشدن عمدی آن به اوایل دوره ماد یا اوایل دوره هخامنشی (نیمه دوم سده ۷ یا آغاز سده ۶ پ.م) بر می‌گردد (Stronach and Roaf, 2007, 236).

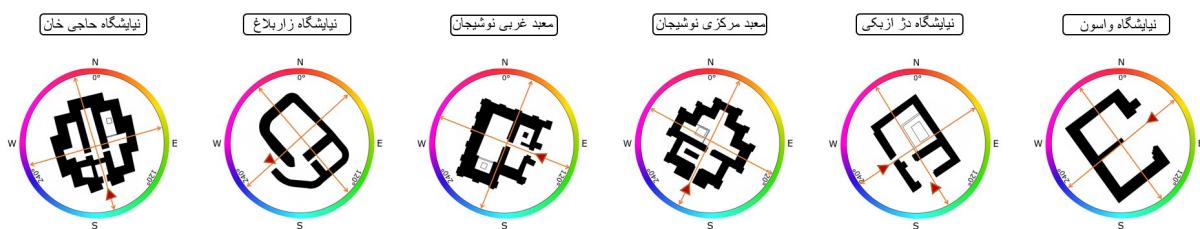
ساخت بنای ازبکی به اوایل دوره ماد و پر شدگی آن به اوایل دوره هخامنشی بر می‌گردد (مجیدزاده، ۱۳۸۲، ۱۰۲-۱۰۱). ساخت بنای زاربلاغ نیز به کلی به دوره ماد و پرشدگی آن در اوایل دوره هخامنشی تاریخ‌گذاری شده است (Malekzadeh et al., 2014, 172). پس از کاوش‌های باستان‌شناسی در بنای سنگی واسون کهک، آن را بنایی از دوره ماد پیشنهاد داده‌اند که احتمالاً در اوایل دوره هخامنشی پر شده است (ملکزاده، ۱۳۸۳، ۴۹). به این ترتیب، تخرچرآباد بنایی احتمالاً مذهبی از اوایل نیمه‌ی هزاره اول پیش از میلاد پیشنهاد می‌شود که همانند برخی از محوطه‌های همزمان خود در غرب و شمال فلات ایران به دلایلی احتمالاً آیینی و مذهبی در اوایل دوره هخامنشی به طور آگاهانه پر شده است (دان، ۱۳۹۴، ۶۸).

### جهت‌گیری جغرافیایی محوطه‌های مورد بررسی

جهت‌گیری بنایهای مورد بررسی همانطور که در (رسم توضیحی ۱۱) مشخص است، در چارچوب جهات جغرافیایی اصلی (شمالی-جنوبی و شرقی-غربی) قرار نمی‌گیرند و تمام بنایها کشیدگی و امتدادشان به سمت جهات فرعی می‌باشد. همانگونه که از (رسم توضیحی ۱۱) بر می‌آید میزان زاویه‌ای که بنایها با خطوط امتداد جهات اصلی ایجاد کرده‌اند تا حدودی متفاوت است، اما به هر حال می‌توان گفت که جهت‌گیری این بنایها می‌توانسته پیرو یک چارچوب از پیش تعیین شده باشد. برای مثال



تصویر ۳- تصویرهایی از محوطه حاجی خان فامنین.  
مأخذ: (ملکزاده و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۰۲)

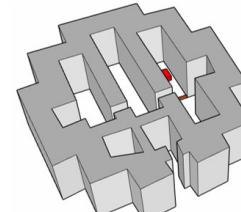
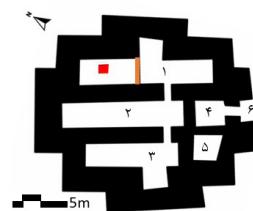


رسم توضیحی ۱۱- جهت‌گیری بنایهای نسبت به جهات جغرافیایی، بازترسیم نگارندگان.

بیرونی معبد انجام نگرفته، نمی‌توان در مورد ابعاد و اندازه دقیق پلان بیرونی معبد اظهار نظر نمود (تصویر ۳). پلان معبد حاجی خان از نظر طرح بسیار شبیه به پلان معبد مرکزی محوطه باستانی نوشیجان است، اما در ابعاد و اندازه وسیع‌تر و بزرگ‌تر از آن می‌باشد؛ همچنین بین سایر عناصر معماري معبد حاجی خان از جمله آتشدان پلکانی وارونه (آلر)، قسمت میانی یا گوی میانی آتشدان، دیوارک جداگانه بهخش اطراف آتشدان، طاقچه‌های فرورفته در دیواره‌ها (در فضاهای ۲، ۳ و ۴)، سکوی چسبیده به دیواره در فضای شماره‌ی ۲، درگاهی‌های ارتباطی بین فضاهای اتکه به معبد مرکزی نوشیجان شباهت بسیار نزدیک و بارزی وجود دارد (همان، ۱۰۶-۱۰۸).

### تخرچرآباد بیرونی

متأسفانه پلان‌های تخرچرآباد در طی کاوش‌های انجام‌شده ترسیم نشده است و در گزارش کاوش اثری از آن دیده نمی‌شود. محسن دانا درباره مشاهده شواهد پرشدگی و شباهت این بنای با سایر نیاشگان‌های مادی اینچنین می‌گوید: با توجه به شواهد موجود از جمله وجود حجم بالای شن، به طور قطع بنای وسیله شن (و در موارد اندک با لایه باریک خاک) و به طور آگاهانه احاطه شده است. شواهد نشان می‌دهد که این بنای ایلهای متنابع خشت‌های شکسته و قلوه‌سنگ پر شده است. به این ترتیب به نظر می‌رسد هم داخل و هم خارج بنای اعمادانه پر شده است. از نکات مهم دیگر وجود سکونهای در پای دیوار بلند خشتشی که مشابه است پس از تپه نوشیجان دارد. این مورد که افادی به دلایلی، اطراف این سازه را با شن محصور و داخل آن را پر کرده‌اند نشان می‌دهد این سازه یک بنای مهم در زمان خود بوده



رسم توضیحی ۱۰- پرسپکتیو و پلان محوطه حاجی خان، بازترسیم از نگارندگان. مأخذ: (ملکزاده و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۰۲)

سنچش کانسپت معماری فضای نیايشگاهی در دوران ماد در نوشیجان تپه،  
زاربلاع و تپه ازبکی

متصل است که دسترسی به طبقه بالا را میسر می‌سازد. در زاربلاع هم ورودی به واسطه یک دیوار منحنی نسبت به بنا زاویه پیدا کرده است و تنها نمونه است که ورودی در جهت کشیدگی بنا واقع نشده است.

### جایگاه آتش مقدس

پس از به قدرت رسیدن خشایارشا در گوشه‌هایی از امپراتوری هخامنشی مکان‌هایی برای عبادت وجود داشت که در آن‌ها فعالیت‌های مذهبی شامل سوزاندن مواد مرده در آتش انجام می‌شد و خشایارشا باین مراسم غیر زردشتی پایان داده است. با توجه به اینکه در الواح یافت شده در تخت جمشید تنوع خدایان اقوام مختلف به چشم می‌خورد و هچنین اشاره به اینکه افرادی از اقوام مختلف در مراسم‌های مذهبی آین خود شرکت می‌کنند، نشان از این است که در دوره هخامنشی آزادی ادیان وجود داشته است، اما آنچه که بر جسته است عدم اشاره کامل به مراسم قربانی، به ویژه قربانی کردن گوشت در آتش است و به نوعی نشان دهنده عدم اجرای چنین مراسمی در قلب شاهنشاهی هخامنشی بوده است (Abid, 2007, 61-62). گویا مراسم‌هایی که دیویستان در آتشدان‌های معابد خود برپا می‌کردند آنچنان مورد تایید موبدان زردشتی نبوده و به واسطه احکام حکومتی خشایارشا، به مقابله با آن برخاستند. در ابتدای بحث باید عنوان نمود که در برخی از محوطه‌ها اثری از آتشدان یافت نشده است. حال یا آتشدان به واسطه تخریب‌های به وجود آمده از بین رفته و یا از ابتدا اصلاً وجود نداشته است. این موضوع کاملاً پر اهمیت است به این جهت که برای مثال در یک بنای غیر مذهبی از دوران ماد، مانند تالار ستوندار مرکزی در گودین تپه شاهد حضور آتشدان یا ا Jacqu در فضایی هستیم که تا کنون نتوانسته‌ایم کاربری مذهبی برای آن متصور شویم، از طرف دیگر در بنای‌هایی مانند نیايشگاه زاربلاع علی آباد و واسون کهک که بسیار سخت بتوان کاربری جز فضای نیايشگاهی و مذهبی برای آنان متصور شد، اثری از آتشدان مشاهده نمی‌شود. به نظر می‌رسد بنای‌هایی مانند زاربلاع و واسون ساده‌ترین و بی‌آلایش‌ترین نوع نیايشگاه‌های مادی هستند که حتی فاقد آتشدان هستند و احتمالاً آتش را در ا Jacquی ساده و قابل حمل برپا می‌کردن که بقایای آن باقی نمانده است. اما در سایر بنای‌ها که بقایای آتشدان در آنها یافت شد اوضاع به گونه‌ای دیگر است. در تمام محوطه‌هایی که آتشدان در آنها یافت شده، آتشدان در نزدیکی دیواری قرار گرفته است و نحوه قرارگیری آن، به گونه‌ای است که آتش حداقل از یک سمت قابل دسترس نباشد. فرم آتشدان‌ها همگی مربع شکل هستند که در تپه ازبکی این مربع کمی به فرم مستطیل نزدیک می‌شود. به واسطه تنوع در جایگذاری آتشدان‌ها می‌توان متصور شد که گویا چارچوب خاصی را برای فضای قرارگیری آتشدان در نظر نمی‌گرفتند. به نظر می‌رسد که یک ضلع آتشدان را نزدیک به یک جداره قرار می‌دادند و به اقتضای طراحی کلی بناء محل قرارگیری آتشدان را تعیین می‌کردند (رسم توضیحی ۱۳).

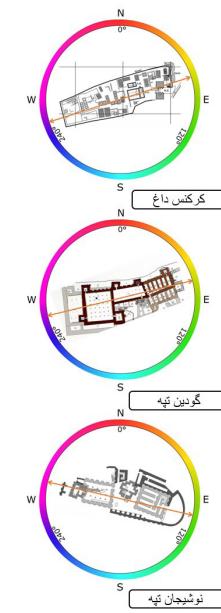
البته ممکن است با کاوش‌های بیشتر و یافتن محوطه‌های مشابه و بالا رفتن تعداد نمونه‌های موردي، بتوان یک الگوي ثابت برای جایگذاری آتشدان‌ها تعریف کرد. اما با داده‌های امروزی تعریف چنین الگویی کمی دور از ذهن به نظر می‌رسد.

نکته دیگری که درباره آتشدان‌ها بسیار مورد توجه است نقش دیوار بسیار کوتاه و باریکی است که اطراف آتشدان را می‌پوشاند. گویا این دیوار کوتاه یک نشانه است برای سایرین، با این عنوان که نباید بیش

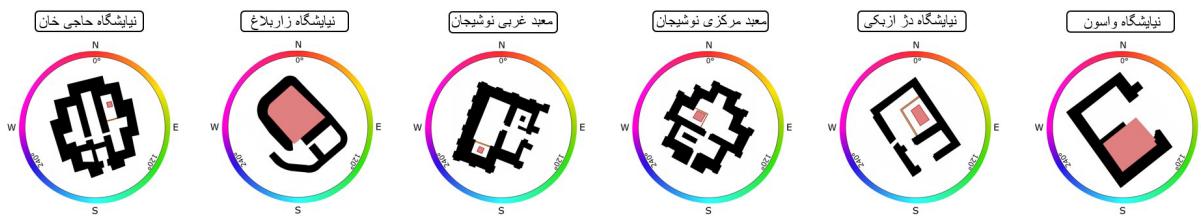
بنای‌ای نیايشگاه تپه ازبکی، واسون کهک و زاربلاع علی آباد که کشیدگی طولی دارند و از فرم مربع شکل فاصله دارند، در جهت‌گیری تشابهاتی دارند. محور طول این سه بنا موازی با محور شمال غربی-جنوب شرقی-قرار گرفته است و عرض این بنایها بر راستای محور شمال شرقی-جنوب غربی قرار گرفته است. نیايشگاه مرکزی و غربی در نوشیجان و نیايشگاه حاجی خان از نظر فرم معماری به شکل مربع نزدیک‌تر هستند و کشیدگی طولی ندارند. دو نیايشگاه نوشیجان در جهت‌گیری کاملاً مشابه هستند و اس آن‌ها به سمت شمال شرقی مایل است و فرم کلی این دو بنا به سمت جهات جغرافیایی فرعی (شمال شرقی-جنوب غربی و شمال غربی-جنوب شرقی) کشیدگی دارد. نیايشگاه حاجی خان نیز همانند این دو نیايشگاه به سمت جهات جغرافیایی فرعی کشیدگی دارد ولی با این تفاوت که رأس آن به سمت شمال غربی مایل است. شاید بتوان پس از کاوش‌های بیشتر در حاجی خان فامنین و خارج کردن تمام بنا از زیر خاک، راجع به چگونگی قرارگیری کل بنا نسبت به معبد مرکزی نوشیجان نظریاتی پرداخت. به طور کلی مجموعه‌های مادی را می‌توان از نظر جغرافیایی دچار کشیدگی شرقی-غربی دانست. با اینکه گویند تپه کمی مایل تر از محوطه‌های دیگر نسبت به محور شرقی-غربی قرار می‌گیرد اما باز هم آنچنان آشکارا بر این محور موازی می‌نشیند که نتوان این مهم را نادید گرفت (رسم توضیحی ۱۲).

### وروودی

وروودی هیچکدام از این بنایها بر راستای جهات جغرافیایی اصلی قرار نگرفته است (رسم توضیحی ۱۱). در تمام بنایها ورودی رو به یک پیشخوان باز می‌شود و پس از پیشخوان جایگاه تقاضی آتش وجود دارد. به جز معبد در ازبکی که دو ورودی دارد سایر بنایها یک ورودی دارند و این بناء تنها نمونه است که فضای جدالگاهی در کنار فضای تقاضی آتش ندارد و همان پیشخوان علاوه بر فضای واسطه بودن نقش پیش‌محراب را در مراسم‌های مذهبی را ایفا می‌کند. در معابد نوشیجان (مرکزی و غربی) ورودی به یک پیشخوان و پیشخوان به یک راه پله



رسم توضیحی ۱۲- نحوه کشیدگی مجموعه‌های مادی، تحلیل بلان از نگارندگان. مأخذ: (محمدی فر، حبیبی، ۴، ۱۳۹۵؛ هیلاری گوینک، میشل رائمن، ۲۶۸، ۱۳۹۶؛ ملازاده و محمدیان منصور، ۱۲۱، ۱۳۹۰)



رسم توضیحی ۱۳- جایگاه آتش مقدس در محوطه‌های مورد بررسی، بازترسیم از نگارندگان.

آتشدان دژ مادی ازبکی را سکوی نذورات معرفی می‌کند، با توجه به شbahت این سکو با سایر آتشدان‌های مادی و حضور جداره نازک اطراف آتشدان در همه نمونه‌ها، به نظر می‌رسد این سکو همانند نمونه‌های مشابه خود، یک آتشدان مادی است که ابعاد بزرگ‌تری دارد (رسم توضیحی ۱۳).

از حد مجاز به آتشدان نزدیک شد و فقط افراد خاصی مجازند که از حریم تعیین شده برای آتشدان عبور کنند و به آن نزدیک شوند. مانند نمایشگاه‌هایی که آثار بسیار مهمی را برای عموم به نمایش می‌گذارند و دور تا دور آن موانعی را تعریف می‌کنند تا علاوه براینکه مانع دید نشوند از نزدیک شدن عموم به آن اثر جلوگیری کنند. از آنجا که مجیدزاده

## نتیجه

سنجدید شده است.

**بستر محیطی:** نوشیجان و ازبکی در یک بستر محیطی تقریباً مشابه واقع هستند. بر روی یک تپه، در میانه یک دشت وسیع قرار گرفته‌اند. هر دو محوطه به دشت اطراف خود اشرف کامل دارند، به گونه‌ای که احتمالاً در زمان ساخت بالاترین سطح ارتفاعی آن منطقه را دارا بودند. از طرف دیگر زارباغ در یک بستر ناهموار قرار گرفته است و در اطراف، پستی و بلندی‌های طبیعی باعث شده که اشراف دو محوطه دیگر به محیط اطراف خود را نداشته باشد. این بنا بر یک تپه طبیعی قرار گرفته است که با در نظر گرفتن ارتفاع جداره‌های بنا، در تراز بالاتری از تپه‌های اطراف خود قرار می‌گیرد (جدول ۲).

**مصالح ساختمانی:** مصالح ساختمانی معبد مرکزی نوشیجان را خشت و ملات گل تشکیل می‌دهند و این معبد همانند تخرچ‌آباد بیرون‌گردید، با خشت و قله سنگ و لشه سنگ‌های ریز و درشت و ملات گل ساخته شده است. ازبکی هم با مصالح خشت و ملات گل ساخته شد و در انتهای همین مصالح مهروموم شده است. زارباغ اما با لشه سنگ‌های ریز و درشت به همراه ملات گل ساخته شد و همانند بنای سنگی واسون کهک، در انتهای با خشت و سنگ و ملات گل پر شده است. همین امر که بنای‌ای مذکور با مصالح مشابه پر شده‌اند، به خودی خود می‌تواند فرضیه مسدودسازی این بنای‌ها در یک دوره تاریخی معین را تقویت کند (جدول ۲).

**ساختران معماري:** به نظر می‌رسد که معماری نیایشگاهی ماد کارکرد یکسانی در نیایشگاه‌های مختلف داشته است و به جهت این کارکرد آیینی، معماران آن دوره مجبور بودند تا فضای تقسیم آتش را از فضای حضور سایرین جدا سازی کنند. به جهت اشراف این افراد بر مراسم‌هایی که فقط روحانیون و موبدان اجازه حضور در آن را داشتند، فضای را در یک طبقه بالاتر و مشرف بر فضای مقدس طراحی می‌کردند. در مواقعی که امکان تعییه فضای پیش‌محراب در طبقات بالا نبود، آن‌ها سعی می‌کردند در همان تراز، فضایی را به عنوان پیش‌محراب طراحی کنند. اگر بناست از پیش‌محراب به فضای تقسیم آتش دید وجود داشته باشد، یک روزنه یا پنجره کوچک در دیوار حائل تعییه می‌کردند. در معبد مرکزی نوشیجان که کامل ترین نمونه نیایشگاه مادی تاکنون کشف شده است، فضای حضور سایرین در طبقه بالاتر قرار گرفته است

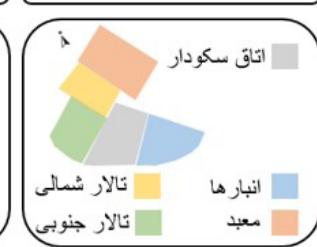
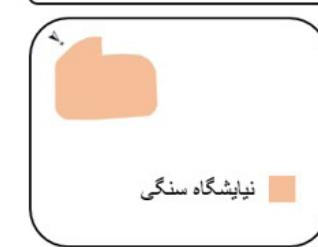
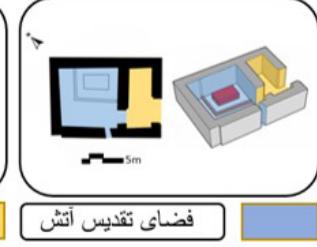
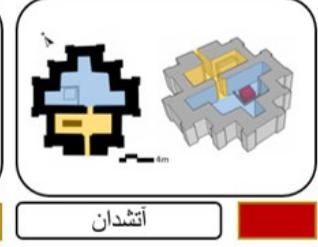
معماری ماد به عنوان یکی از کهن‌ترین معماری و خلق نیوگ بشری، از یک حکومت گستردگی در پهنه جغرافیایی ایران، بسیار حائز اهمیت است. در این میان، معماری نیایشگاهی مادها به جهت ابهاماتی که در این‌باره وجود دارد، اهمیتی دوچندان دارد. اولین بار استروناخ پس از کاوش‌های نوشیجان تپه دو بنای یافت شده در آن محوطه را، فضاهایی نیایشگاهی برشمرد و پس از آن در سالیان بعد کاوش‌های دیگری در پهنه فرهنگی ماد انجام شد و نیایشگاه‌های مادی دیگری سر از خاک بیرون آوردند. در این میان یک نکته بسیار قابل توجه است و آن، پرشدگی و مهروموم شدن نیایشگاه مادی در نوشیجان است که این فرایند مسدودسازی بدون هیچگونه تخریبی صورت گرفته است. این اتفاق پس از آن در چندین محوطه مادی دیگر نیز مشاهده شد و پس از آن بررسی‌های دقیق‌تر بر کتیبه ضد دیو خشایارشا (XPh) انجام شد. پژوهشگران پس از مطالعات دقیق‌تر بر کتیبه و تحولات سیاسی-مذهبی آن دوران، به این نتیجه رسیدند که این کتیبه متعلق به دوره‌ای است که در حکومت خامنشی مبارزه با تمامی ادیان الحادی در پهنه فرهنگی ماد در دستور کار قرار گرفت. کاوشگران ابتدا در تعیین کاربری برخی از این نیایشگاه‌ها محاطه‌انه عمل می‌کردند. به این جهت که برخی از این بنای‌ها مانند نیایشگاه‌های از قبل کشف شده، فرایند مسدودسازی را طی کرده بودند ولی در ظاهر آنچنان شباهتی با سایر آن‌ها نداشتند. ولی با مطالعات بیشتر بر آینین مادها و مراسم‌های آنان و دقت در نحوه تفکیک فضاهای در ساختار نیایشگاهی ماد، با اطمینان بیشتری بنای‌ای یافت شده را نیایشگاه مادی خوانند. به همین جهت در این پژوهش، نیایشگاه مرکزی نوشیجان تپه در ملایر با نیایشگاه زارباغ در علی‌آباد قم و نیایشگاه دژ مادی ازبکی سنجدید شد. با اینکه ممکن است به نظر باید که این سه بنای نظر ظاهر معماری آنچنان شباهتی با یکدیگر ندارند، اما در این پژوهش سعی شد تا جنبه‌های مفهومی طراحی فضاهای و کاربری این بنای‌ها با هم سنجدید شود. در این بین بنای‌ای مانند نیایشگاه غربی نوشیجان و نیایشگاه حاجی‌خان فامنین به جهت شباهت‌های ساختاری که با نیایشگاه مرکزی نوشیجان دارند، در کنار این بنای‌ها روند تحلیل ساختاری را طی کرده‌اند. بنای سنگی واسون کهک هم که خود یک نیایشگاه مادی مهروموم شده است، به واسطه شباهت‌های ساختاری و فضایی که با زارباغ قم دارد در کنار این بنای‌ها

سنچش کانسپت معماری فضای نیايشگاهی در دوران ماد در نوشیجان تپه،  
زاربلاغ و تپه ازبکی

کهک و زاربلاغ قم مشاهده می شود که فضای تقدیس آتش بدون آتشدان است (جدول ۲). این بناها به واسطه ظواهر، پیچیدگی های معماری، وسعت بنا، جغرافیا و بستر محیطی با یکدیگر تفاوت هایی دارند، اما پس از تحلیل ساختار فضایی و انطباق کاربری و مراسم های آیین مادها بر آن ها، می توان آن ها را از یک خانواده دانست، می توان تمام آن ها را نیايشگاه مادی خواند. نیايشگاه هایی که به واسطه یک کانسپت معماری معین، طراحی شده اند. نیايشگاه هایی که در انتهای حیات فرهنگی- مذهبی خود، بدون هیچ گونه تخریبی مسدود شده اند.

و از آنجا به واسطه یک روزن فضای تقدیس آتش قابل مشاهده است. گویا این ترکیب بهترین ساختار فضایی، برای کاربری آیین مادها بوده است که به نظر می رسد نیايشگاه غربی نوشیجان هم دقیقاً از همین ساختار استفاده می کند. در بناهای دیگر که کوچکتر و کم هزینه تر از معبد مرکزی نوشیجان ساخته شده بودند، پیچیدگی های معماری و هزینه را به واسطه نیاز خود محدود می کردند. گاهی مانند نیايشگاه ازبکی از ساخت فضای پیش محرب در طبقه دوم صرف نظر می کردند و گاهی پنجره ای و روزنی از پیش محرب به فضای مقدس باز نمی کردند. حتی گاهی آتشدانی در فضای مقدس نمی ساختند، چنانچه در واسون

جدول ۲ - مشخصات کلی محوطه های مورد بررسی، ترسیم و تحلیل از نگارندگان.

نوشیجان تپه - ملایر - همدان	تپه ازبکی - نظرآباد - البرز	زاربلاغ - علی آباد - قم
ساختار کی معماری	محوطه	فضای اقایی و روده
مشاهده	آتشدان	نحوه کلی
 <b>انبارها</b> : تالار سنوندار (زرد)، تالار شمالی (زرد)، تالار جنوبی (زرد) <b>معبد غربی</b> : معبد مرکزی (سبز)	 <b>انبارها</b> : تالار سنوندار (زرد)، تالار شمالی (زرد)، تالار جنوبی (زرد) <b>معبد غربی</b> : معبد مرکزی (سبز)	 <b>نيايشگاه سنگی</b> : نیايشگاه سنگی (بلوطی)
<b>تپه در ناهمواری های منطقه علی آباد و نزدیک اتوبان تهران - قم</b> واقع است. <b>ارتفاع تپه اصلی:</b> ۲۶ متر <b>فضای روی تپه:</b> مجموع فضای روی تپه ۱۰۰۰ متر مربع است. <b>کمتر از ۷۰ متر</b> از محور افقی ورودی است.	<b>تپه در دشت نظرآباد روستای ازبکی</b> واقع است. <b>ارتفاع تپه اصلی:</b> ۳۷ متر <b>فضای روی تپه:</b> مجموع فضای روی تپه ۴۰۰ متر مربع است.	<b>ساخت: خشت و ملات گل</b> <b>پرشدگی:</b> خشت و سنگ و گل
 <b>کشیدگی بر محور جهات فرعی</b> انتهای فضای مقدس بنا از محور شمال کمی به سمت غرب متمایل است <b>قرارگیری ورودی در جنوب غربی</b>	 <b>کشیدگی بر محور جهات فرعی</b> انتهای فضای مقدس بنا از محور شمال کمی به سمت شرق متمایل است <b>قرارگیری ورودی در جنوب غربی</b>	 <b>کشیدگی بر محور جهات فرعی</b> انتهای فضای مقدس بنا از محور شمال کمی به سمت شرق متمایل است <b>قرارگیری ورودی در جنوب غربی</b>
 <b>عدم وجود آتشدان</b> مانند واسون کهک	 <b>آتشدان مستطیل شکل</b> - دیوار حائل کوتاه <b>نژدیکی آتشدان به جداره سمت شمال شرقی</b> مانند آتشدان فامنین	 <b>آتشدان مربع شکل</b> - دیوار حائل کوتاه <b>نژدیکی آتشدان به جداره سمت جنوب غربی</b> مانند آتشدان معبد غربی نوشیجان
 <b>پیشخوان پیش محرب</b>	 <b>فضای تقدیس آتش</b>	 <b>آتشدان</b>

## فهرست منابع

- ملازاده، کاظم (۱۳۹۶)، باستان‌شناسی ماد، چاپ سوم، تهران، سمت ملکزاده، مهرداد (۱۳۸۲)، بنای سنگی زاربلاغ، نیایشگاهی<sup>(?)</sup> از دوره ماد: گزارش بازدید و بررسی مقدماتی، باستان‌شناسی و تاریخ، سال ۱۷، شماره ۲، صص ۵۲-۵۶.
- ملکزاده، مهرداد (۱۳۸۳)، بنای سنگی واسون کهک، سازه‌ای از دوره ماد<sup>(?)</sup>: گزارش بازدید و بررسی مقدماتی، باستان‌شناسی و تاریخ، سال ۱۸، شماره ۲، صص ۴۲-۵۱.
- همتی ازندیانی، اسماعیل؛ ملکزاده، مهرداد و ناصری صومعه، حسین (۱۳۹۸)، گزارش مقدماتی فصل اول کاوشن نجات بخشی در محوطه « حاجی خان » فامنیین - استان همدان معبد و نیایشگاهی نویافته از دوره مادها، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره ۹، شماره ۲۳، صص ۹۱-۱۱۰.
- Abdi, Kamyar (2007), *the 'Daivā' Inscription Revisited*, Nāme-irān-e Bāstān, 6/1&2, pp. 45-74.
- Dandamayev, M.A (1976), *Persian unter den ersten Achämeniden*, Wiesbaden, übersetzt von heinz-dieter pohl
- Dandamaev.M. and Lukonin. VG (2004), *the culture and social institutions of ancient iran*, Cambridge.
- Herzfeld, E. (1947), Zoroaster and his World, Vol 1. Princeton
- Malekzadeh, M., Saeedyan, S. D., & Naseri, R. (2014). *Zar Bolagh: a late Iron Age site in Central Iran*. *Iranica Antiqua*, 49, pp. 159-191.
- Mohamadifar, Y. Sarraf, M, R. Motarjem, A. (2015). *A Preliminary Report On Four Seasons Of Excavation Atmoush Tepe, Hamedan, Iran*, *Iranica Antiqua* 50: 231-248.
- Olmstead, A.T. (1948), *History of the Persian empire*, the university of Chicago press.
- Srtonach, D. (1967), Urartian and Achaemenian Tower Temple, *Journal of Near Eastern Studies*, 26: 278-288.
- Stronakh, D and M.Roof, (2007), "Nush-i Jan 1: The major Buildings of The Median Settlement", Biritish Institute of Persian Studise, Peeters, London.
- Xin, W. and Lecomte, O., (2012). Clay sealings from the Iron Age citadel at Ulug Depe. *Archäologische Mitteilungen aus Iran und Turan*, 44, pp. 313-328.
- آموزگار، ژاله (۱۳۷۱)، دیوها در آغاز دیو نبودند، کلک، شماره ۳۰، صص ۱۶-۲۴.
- استروناخ، دیوید؛ رف، مایکل (۱۳۹۰)، نوشیجان ۱، ترجمه کاظم ملازاده، همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
- بریان، پی بر (۱۳۹۱)، تاریخ هخامنشیان از کوروش تا اسکندر، تاریخ شاهنشاهی ایران، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، جلد دهم، بخش اول، انتشارات توos.
- دانه، محسن (۱۳۹۴)، گزارش مقدماتی کاوشن در تپه‌ی تخرچ آباد بیرجند: محوطه‌ای از آغاز دوران تاریخی در شرق ایران، پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، شماره ۱۲ و ۱۳، سال ششم و هفتم، صص ۵۹-۷۲.
- دیاکونوف، آم (۱۳۹۵)، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، چاپ ۱۱، چاپ اول ۱۳۴۵، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- سامی، علی (۱۳۸۹)، تمدن هخامنشی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: سمت.
- عبدی، کامیار (۱۳۹۹)، اردشیر اول بر تخت خشایارشا: چگونه یک مشاهده باستان‌شناختی بر داشش تاریخی ما می‌افزاید؟، در جهان هخامنشیان، گردآورندگان جان کرتیس و سنت جان سیمپسون، ترجمه خشایار بهاری، تاریخ هنر و جامعه در ایران باستان، چاپ اول، تهران: نشر فرزان روز.
- گوپینک، هیلاری؛ راثمن، میشل (۱۳۹۶)، در مسیر شاهرام، ترجمه محمدامین میرقادری، هادی صبوری، موزهٔ دایره المعارف بزرگ اسلامی مجیدزاده، یوسف (۱۳۸۲)، گزارش سومین فصل حفریات در محوطه باستانی ازیکی، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۸۹)، کاوشن‌های محوطه باستانی ازیکی، جلد اول: هنر و معماری، تهران: سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری.
- محمدی فر، یعقوب؛ حبیبی، حسین (۱۳۹۵)، کرکنس داغ، کلني مادي يا شهری فريگي؟، جستارهای باستان‌شناسی ايران پيش از اسلام، ۲۱، صص ۱-۱۶.
- ملازاده، کاظم (۱۳۹۰)، مطالعه معماری مذهبی دوره ماد و تداوم آن تا دوره اشکانی براساس داده‌های باستان‌شناسی به دست آمده از نوشیجان و قومس، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۱(۱)، صص ۱۲۳-۱۳۶.
- ملازاده، کاظم؛ محمدیان منصور، صاحب (۱۳۹۰)، مطالعه و معرفی شیوه بدیع طاق‌زنی دوره ماد در تپه نوشیجان ملایر، مطالعات باستان‌شناسی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران)، دوره ۳، شماره ۲(۴)، صص ۱۴۸-۱۴۹.

## Assessment of the Architectural Concept of Places of Worship During the Medes Era in Noushijan Tappe, Zarbolagh and Tappe Ozbaki

***Mohammad Hassan Talebian<sup>1</sup>, Mehrdad Malekzadeh<sup>2</sup>, Alireza Taheri<sup>3</sup>***

<sup>1</sup>Associate Professor, Department of Building Restoration and Historical Structures, School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

<sup>2</sup>Assistant Professor, Archeology Research Institute, Cultural Heritage and Tourism Research Institute, Tehran, Iran.

<sup>3</sup>Master of Architectural Studies, Department of Building Restoration and Historical Structures, School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Received: 27 Jul 2022, Accepted: 4 Dec 2022)

The Medes are known as the first unified and central government of Iran. The historiography of this government faces many uncertainties, but there is no doubt that they were able to establish a unified government in Iran for the first time. The Median period is one of the least well defined periods of Iranian Archeology and Architecture. To speak of Median Art means, first of all, mentioning the huge gaps in our knowledge of Median history. However, architecture in the Medes Dynasty is surrounded with ambiguity due to limited explorations and ambiguous dates. An important part of the Medes architecture is devoted to places of worship. The central shrine of Noushijan Tappe is one of the most important ritual spaces of the Medes, and as a result of excavations and observation of the fillings, it was found that this shrine was sealed without the slightest damage. Further excavations in the territory of the Medes, revealed other sites with the same conditions as Noushijan Tappe. It was believed that these shrines had a similar fate as the central shrine of Noushijan Tappe. In this research, which is based on a descriptive-analytical method and a case study, with the aim of studying architecture from the concept of design to the function of ritual spaces of the Medes, an architectural comparison is made between the central shrine of Noushijan in Malayer, Zarbolagh shrine in Aliabad Qom and Ozbaki shrine in Nazarabad, in order to reach a design pattern specific to these places of worship. The research concludes that most of the religious buildings built at the time of the Medes Empire were blocked during the Achaemenid rule. The Achaemenids only hindered access to the Medes places of worship and did not destroy them. It seems that the (XPh) inscription of Xerxes and the law against atheistic religions in the Achaemenid period caused these shrines to be blocked. We find that these religious buildings used a special architectural pattern and this pattern is repeated in different forms in most of the religious buildings constructed under the rule of the Medes. It is understood that while the function and architectural concepts remain the

same in these buildings, each shows a different architectural design. The architects of that period designed the building in such a way that the sacred space is separated from the main building. Not everybody was allowed into the sacred parts, and those who wished to enter had to wait beforehand in a spare room. Some constructs had a window built in the spare room that gave the person-in-waiting a view to the sacred room. Unfortunately, some of the religious buildings of this historical period were destroyed after many years, which made it difficult to identify this architectural concept in them. Finally, the paper will highlight similarities between the western shrine of Noushijan Tappe and Vasun stone building in Kahak and Takhcharabad shrine in Birjand and Hajikhan shrine in Famenein with the above sites.

### **Keywords**

Medes Architecture, Places of Worship, Noushijan Tappe, Zarbolagh, Tappe Ozbaki, Architectural Concept.

\*Corresponding Author: Tel: (+98-21) 66171604, Fax: (+98-21) 66972076, E-mail: mh.talebian@ut.ac.ir